

## روح رومی در کالبد کلمن بارکس

### گزارشی از مراسم اعطای دکترای افتخاری به کلمن بارکس

مرضیه کاووسی حسینی

دانشنامه دکترای افتخاری دانشگاه تهران، در رشته زبان و ادبیات فارسی، به پروفیسور «کلمن بارکس» استاد دانشگاه جورجیای آمریکا و شاعر و مترجم آثار مولوی، در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه، ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵، در محل تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اهدا گردید.

در این مراسم سید احمدرضا خضری (به عنوان مدیر جلسه)، علی افخمی عقدا (رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، عباسعلی عمید زنجانی (رئیس دانشگاه تهران)، علی محمد حق شناس (استاد گروه زبان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، رابرت بلای، شاعر مطرح آمریکایی و کلمن بارکس به ایراد سخنرانی پرداختند.

مدیر جلسه در ابتدای مراسم گفت: دانشگاه تهران به عنوان مرکز کهن آموزشی و

پژوهشی ایران، از دیرباز به کسانی که خدماتی ماندگار در عرصه فرهنگ و تمدن بشری و اقداماتی تأثیرگذار در معرفی ستون‌های علمی ایران انجام داده‌اند، دکترای افتخاری اعطا کرده است؛ لذا در آستانه هشتادمین سال تولد عارف شوریده، حضرت مولانا، دانشنامه دکترای افتخاری زبان و ادب فارسی به آقای پروفیسور «کلمن بارکس» به پاس تلاش ایشان در معرفی مولوی به جهان و کشورهای انگلیسی زبان و آشنا کردن مردم دنیا با اندیشه‌های او تقدیم می‌شود.

\*\*\*

کلمن بارکس (Coleman Barks) شاعر و استاد بازنشسته زبان انگلیسی دانشگاه جورجیا، در ۲۳ آوریل ۱۹۳۷ در چاتانوگاتسی واقع در ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد و در همان جا نیز رشد یافت.

مدرک کارشناسی و دکتری خود را در زبان انگلیسی از دانشگاه نورث کارولینا (North Carolina) در ۱۹۵۹ به همراه یک مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی در ۱۹۶۱ دریافت کرد. او جوایز و لوح تقدیرهای مختلفی را تاکنون کسب نموده و کتب متعددی را ترجمه یا تألیف کرده که بخشی از آن مشتمل بر شش جلد از اشعار خود اوست. ترجمه او از اشعار مولوی بیش از نیم میلیون نسخه در جهان فروش داشته و به بسیاری از زبان‌های زنده جهان ترجمه شده است. او دارای دو فرزند و سه نوه می‌باشد.

بارکس به مدت ۳۰ سال در دانشگاه جورجیا به تدریس و نویسندگی خلاق پرداخته است. از جمله کتاب‌هایی که در آنها به بازسرایی اشعار مولانا پرداخته می‌توان به «رومی اصل»، «عشق، روح رومی» و «غرق شده» اشاره کرد.

بارکس پیش از سال ۱۹۷۶ نام مولوی را نشنیده بود و در این سال رابرت بلای، شاعر برجسته آمریکایی، یک جلد از ترجمه علمی اشعار مولوی را به او ارائه کرد و از او خواست که کلمات این اشعار را از قفس خود آزاد سازد.

البته منظور او این بود که ترجمه اشعار مولوی باید به زبانی جذاب‌تر و روشن‌تر و هماهنگ‌تر با اصل شعر در بیاید.

بارکس در این باره می‌گوید: زبان استادانه ترجمه آربری و نیکلسون سخت متعلق به سبک دوره ویکتوریا و بدون پرواز بود. من در پاییز ۱۹۷۶ شروع به کار بازنویسی برخی اشعار و ترجمه آن به شعر آزاد انگلیسی نمودم. کار ترجمه بیشتر شبیه یک عمل

معنوی بود، تا هر کار علمی دیگر. من Joun Moyné استاد زبان فارسی را پیدا کردم و او نیز برایم ترجمه‌های تحت‌اللفظی ساده و تازه‌ای فرستاد. در دوم ماه می، رؤیایی را تجربه کردم که طی آن یک معلم در حاله‌ای از نور به سوی من آمد. یک سال و نیم بعد آن مرد را در فیلادلفیا ملاقات کردم. یک استاد صوفی که نامش باوا محی‌الدین (Muhaiyaddeen) عارف سری لانکایی بود. او به من گفت که کار بر روی اثر رومی را انجام بدهم. من او را چهار یا پنج بار در طی نه سال دیدم، تا این که در هشتم دسامبر ۱۹۸۶ دار فانی را وداع گفت. ارتباط من با او تنها اعتباری (credential) است که من برای کار بر اشعار رومی دارم.



عمل بازنویسی اشعار را برای مدت هفت سال ادامه دادم، تا این که یک مجموعه کوچک را به نام **Open secret** در ۱۹۸۴ منتشر کردم. که از سوی ویلیام استافورد، شاعر آمریکایی جایزه‌ای به آن کتاب تعلق گرفت. کتاب در نشر آمریکا یک پدیده تلقی می‌شد و ۳۰۰ هزار نسخه از آن به فروش رسید و این شرایط همچنان ادامه دارد. روی هم رفته همراه با تمام ترجمه‌های رومی که من بر روی آنها کار کرده‌ام، تقریباً نیم میلیون نسخه فروش داشته است؛ این امر در کشوری که یک کتاب شعر بیش از ۱۰ هزار نسخه فروش نمی‌کند، عجیب و غیرمعمول است.

شعر یک هنر حاشیه‌ای در آمریکا محسوب می‌شود؛ اما این ترجمه اشعار مولوی، تمامی دسته‌بندی پیش فرض‌ها را شکسته است. آنها به پلی مهم در بین فرهنگ‌های ما بدل می‌شوند. غرب مدت‌های زیادی چشم خود را بر هر چیزی که رنگ اسلام و به ویژه شکوه شعر جهان فارسی زبان دارد بسته است.

اکنون شعر رومی در دبیرستان‌ها و سمینارهای دانشگاهی تدریس می‌شود و در مراسم ازدواج و در هر نوع جمع‌های چند فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. من دیر به سوی مولوی آمدم، وقتی که اولین ترجمه مولوی را خواندم ۳۹ سالم بود؛ اما این ۳۰ سال شاگردی عجیب من، در نزد استاد شعر مولوی بوده است و این حرفه شاگردی همچنان ادامه دارد.

رابرت بلای، شاعر آمریکایی و برنده جایزه ملی کتاب آمریکا در این مراسم ترجیح داد به جای سخنرانی، به خواندن ترجمه خود از شعر «یوسف گم گشته» حافظ پردازد و علی محمد حق‌شناس متن فارسی این شعر را قرائت کرد.

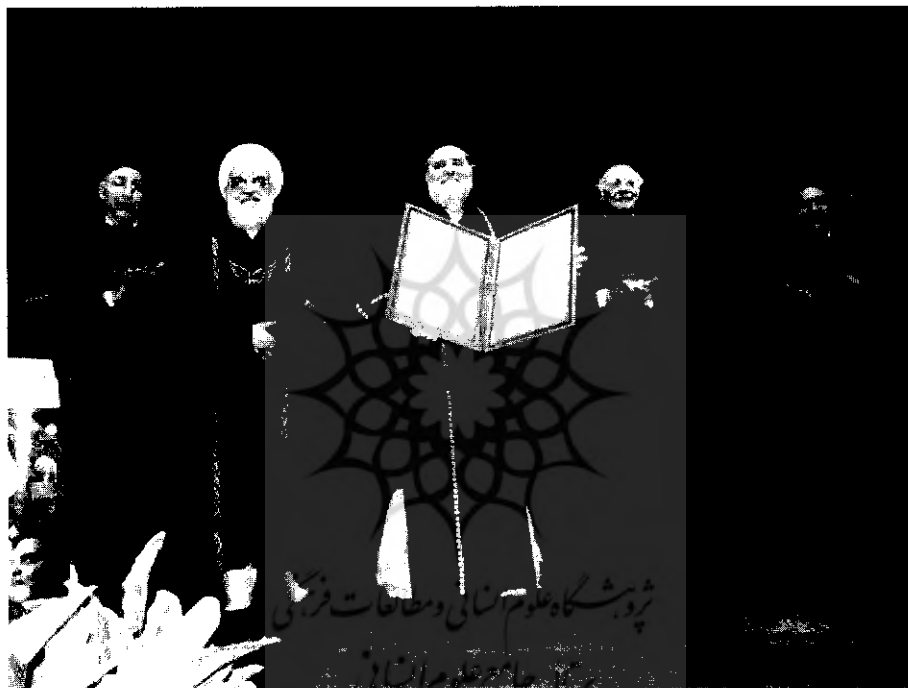
پس از سخنان بلای، مراسم اهدای دانشنامه دکترای افتخاری زبان و ادبیات فارسی و پوشاندن لباس مخصوص به کلمن بارکس انجام شد.

دانشگاه تهران علاوه بر این دانشنامه، یک قطعه مدالیون نقره‌ای این دانشگاه را که به مناسبت هفتادمین سال تأسیس دانشگاه تهران در سال گذشته طراحی و ضرب شده بود، به همراه یک تخته تابلو فرش دستباف ایران، بافت مشهد، به عنوان یادبود به کلمن بارکس اهدا کرد.

این دانشگاه به خاطر راهنمایی‌های رابرت بلای به کلمن بارکس در ترجمه اشعار مولوی، لوح سپاسی را نیز به همراه مدالیون نقره دانشگاه تهران و یک تخته تابلو فرش دستباف مشهد، به رابرت بلای اهدا کرد.

مراسم اعطای دانشنامه دکترای افتخاری دانشگاه تهران به کلمن بارکس با سخنان خود او به پایان رسید.

بارکس ضمن سپاسگزاری از برگزارکنندگان این مراسم و دانشگاه تهران گفت: «از این فرهنگ باشکوه که تاج جواهر شعر خود یعنی مولانای رومی، حافظ، سعدی، عطار، سنایی و سایرین را به ادبیات جهان هدیه کرده است، سپاسگزارم. غرب در تجربه زیبایی آثار این شعرا روند کندی داشته است؛ اما اکنون به واسطه



شعر رومی، مفهوم عمیقی، حداقل در روان آمریکایی‌ها برانگیخته شده است. در ۱۰ سال گذشته شعر مولانای رومی پرخواننده‌ترین شعر در آمریکا بوده است. او حقیقت و دوستی را به ما یادآور شده و عشقی سرکش و نجاتی سرزنده را به ما آموخته است.» بارکس پیام‌رسان عشق و عرفان در مغرب زمین است و ترجمه‌های او به واقع تفسیری امروزی و معنویت‌گرایانه از اشعار مولاناست و امروزه نام مولانا در آمریکا با نام بارکس هم‌نشین شده است. همان‌گونه که در جهان انگلیسی‌زبان، نام خیام با نام فیتز جرالذ، مترجم رباعیات او، گره خورده است.